

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال دوازدهم، شماره سی و ششم، پاییز ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۶/۲۰

صفحات: ۶۱-۹۸

نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا:

با تأکید بر عملکرد آن در قبال ایران *

دکتر محمدرضا دهشیری **

دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

مهدی طاهری ***

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

چکیده

توجه به ظرفیت دانشگاه‌ها و ظرفیت‌های آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی امری حائز اهمیت است. این همان موضوعی است که از آن به دیپلماسی آکادمیک یاد می‌کنند. می‌توان گفت برای کشورهای همچون ایران که ظرفیت قابل توجهی در بخش دانشگاهی و علمی دارند، این مسئله حائز اهمیت بوده و لزوم توجه جدی به آن وجود دارد. توجه به تجارب جهانی در استفاده از ظرفیت آموزش عالی در راستای دیپلماسی فرهنگی و سیاست‌گذاری در این خصوص می‌تواند به سریع‌تر پیمودن مسیر کمک نماید. امروزه با بین‌المللی شدن آموزش عالی و نیز تسهیل ارتباطات جهانی ناشی از فرایند جهانی شدن، استفاده از ظرفیت‌های نظام آموزش عالی به‌مثابه ابزار تأثیرگذار در جهت کسب منافع ملی و افزایش قدرت نرم توسط کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای توسعه یافته، روزبه‌روز بیشتر شده است. کشورهای مختلف جهان به فراخور قدرت اقتصادی و فرهنگی خود، روی برنامه‌های مبادلات فرهنگی و آموزشی سرمایه‌گذاری زیادی کرده‌اند. شاخص‌ترین و موفق‌ترین کشورها در این زمینه ایالات متحده آمریکا است. از طریق برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی مانند تبادلات دانشجویی و بورسیه‌های تحصیلی،

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل مهدی طاهری با راهنمایی دکتر محمدرضا دهشیری است.

** نویسنده مسئول، ایمیل: mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

*** ایمیل: mtaheri1982@gmail.com

پروژه‌های بین‌المللی آموزشی برای دیدارکنندگان خارجی، برنامه‌های سخنرانی، بازدیدهای ترتیب داده شده برای خبرنگاران، توسعه زبان انگلیسی و... ایالات متحده در حال انتقال ارزش‌ها و اصول اخلاقی‌اش است. در این زمینه، ایالات متحده آمریکا، دو مزیت اصلی دارد؛ یکی زبان انگلیسی و دیگری کیفیت نظام آموزش عالی. تازه‌ترین آمار «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد» از تعداد دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های دنیا حاکی از آن است که این کشور، مقصد اصلی دانشجویان جهان به شمار می‌رود. در این راستا شناخت تجربیات و عملکرد کشورهای پیشرو در زمینه به‌کارگیری نظام آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی خود برای کشور با ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت خواهد بود. در این مقاله در صدد پاسخ به این پرسشیم که ایالات متحده آمریکا چگونه از ظرفیت‌های آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی خود بویژه در قبال ایران استفاده می‌نماید؟ فرضیه ما بر این است که این کشور با استفاده از ابزارهای دانشگاهی و جذابیت‌های علمی خود، توانسته است بیشترین مبادلات آموزشی را در سطح جهان داشته باشد و از این طریق ضمن انتقال ارزش‌های خود به دانشگاهیان، قدرت نرم خود را افزایش دهد.

کلید واژگان

دیپلماسی فرهنگی، آموزش عالی، دیپلماسی آکادمیک، ایالات متحده آمریکا، قدرت نرم

مقدمه

دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یک رسم و یک روش صدها سال سابقه دارد. همه سیاحان، مسافران، معلمان و هنرمندان را می‌توان نمونه‌هایی از سفیران غیررسمی یا دیپلمات‌های فرهنگی اولیه به‌حساب آورد (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۸). در این بین، ارتباط بین دیپلماسی فرهنگی و آموزش بین‌المللی نیز قدمتی طولانی دارد. دانشجویان از همان ابتدای آغاز به کار دانشگاه‌های مدرن در قرون وسطی، در خارج کشور تحصیل کرده و تحت تأثیر آنچه آموخته و تجربه کرده بودند، قرار گرفته‌اند. استادان و محققان نیز برای بیش از هزار سال از مرزهای میان کشورها عبور کرده بودند و دانش همواره حیطة بین‌المللی داشته است. در واقع دانشگاه‌های قرون وسطایی، نهادهای بین‌المللی بودند که دانشجویان و استادان را از چندین کشور اروپایی

دور هم می‌آوردند و به یک زبان واحد (لاتین) فعالیت می‌کردند. دانشگاه‌های قرون وسطایی به واسطه تأکید زیاد بر الهیات و قانون کلیسا، به‌عنوان سنگری محکم در خدمت مذهب کاتولیک بودند. گسترش ایمان مسیحی از طریق آموزش، جنبه مهم قدرت نرم کلیسا بود. از لحاظ تاریخی، جامعه مسیحیان، آموزش را به‌عنوان نیرویی قدرتمند تشخیص دادند و برای توسعه دانش و مذهب کاتولیک اقدام به تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها در سراسر جهان کردند. گروه‌های دینی از دیگر مذاهب مختلف مسیحی نیز به‌طور فعالانه‌ای درگیر آموزش عالی در خارج از کشور بودند (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۷۶).

دولت‌های استعماری اغلب آموزش عالی را به‌عنوان یک همراه مفید برای اقدامات خود می‌دیدند. بریتانیایی‌ها در توسعه این قبیل نهادها و در فرستادن دانشجویان از مناطق تحت استعمار به انگلستان برای تحصیل در دانشگاه‌های انگلیسی مهارت خاصی داشتند. از اوایل سال ۱۸۳۵، دانشگاه‌های انگلیسی و دانشگاه‌های مدل-انگلیسی در هندوستان بنا شدند و دانشجویان تحصیل کرده در این نهادها، ستون فقرات دولت استعماری را برای یک قرن یا بیشتر فراهم آوردند البته تحصیلات استعماری، منجر به افزایش جنبش‌های ملی‌گرایانه نیز گردید؛ به‌عنوان مثال «مهاتما گاندی» و «جواهر نهرو» در مدارس استعماری در هند و سپس در انگلیس تحصیل کرده بودند (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۷۶).

ایالات متحده آمریکا در طول دوران کوتاه قدرت استعماری خود، از آموزش عالی به‌عنوان بخشی از سیاست استعماری خود استفاده کرد. این کشور نهادهای آموزش عالی را در فیلیپین به‌عنوان بخشی از حضورش در این کشور بنا کرد. با این همه در جریان جنگ سرد ایالات متحده نقش بسیار فعال‌تری را در گسترش ایده‌های فرهنگی و سیاسی خود ایفا کرد. همچنین آموزش عالی آمریکا نقش مهمی را در کشمکش ایدئولوژیکی با اتحاد جماهیر شوروی داشته است. حکومت ایالات متحده، بنیادهای خصوصی و دیگر آژانس‌ها از «مبادلات دانشگاهی»، «برنامه‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی» حمایت مالی می‌کردند؛ هدف از این حمایت‌ها سهیم شدن در ارائه تصویری مثبت از آمریکا در سراسر جهان و همچنین ایجاد ارتباط با دانشگاه‌ها و دیگر بخش‌های بین‌المللی بود. برخی تحلیلگران از ارتباطات حکومتی با دانشگاه‌ها انتقاد می‌کردند، درحالی‌که برخی دیگر این تلاش‌ها را برای سیاست خارجی آمریکا حیاتی می‌دیدند. از جمله این

ارتباطات حکومتی می‌توان به همکاری تعدادی از نهادهای دانشگاهی ایالات متحده آمریکا با سازمان اطلاعات این کشور (سیا) اشاره کرد. به عنوان مثال تعدادی از دانشگاه‌های سرشناس ایالات متحده، مانند کلمبیا و استنفورد و نیویورک و هاروارد، در زیر نفوذ مستقیم سیا بود. مثلاً، بنیاد فارفیلد^۱ در دانشگاه کلمبیا از مهم‌ترین مراکزی بود که بودجه عملیات فرهنگی سیا از طریق آن به نهادهای فرهنگی انتقال می‌یافت. ظاهراً این بنیاد را یک ثروتمند یهودی بنام جولیس فلیشمن ایجاد کرده بود ولی در واقع با بودجه سیا تأمین می‌شد. هدایت این بنیاد را جک تامپسون، مأمور سیا و استاد دانشگاه کلمبیا، به دست داشت. (سایت اندیشکده روابط بین‌الملل، ۱۳۹۵/۶/۲۹)

دیوید گیسیس در مقاله «اندیشمندان و جاسوسان: سکوتی که فریاد می‌زند» (اُس آنجلس تایمز، ۲۸ ژانویه ۲۰۰۱) از رسوایی بزرگی سخن می‌گوید که به دلیل فاش شدن اسناد ارتباط سیا با نهادهای آکادمیک در دوران جنگ سرد پدید آمده است. گیسیس به رابطه تنگاتنگ سیا با نهادهای علوم اجتماعی ایالات متحده اشاره می‌کند. واکنش حکومت ایالات متحده به جنگ سرد همچنین موجب بهبود حمایت جمعی، برای بالا بردن سطح دانشگاه‌های آمریکایی به سطح رهبری بین‌المللی گردید. در این میان و از لحاظ ملی ایجاد برنامه‌های کمک هزینه تحصیلی در علوم، ریاضیات، زبان و مطالعات منطقه‌ای نقش چشمگیری در بالا بردن سطح دانشگاه‌ها داشت. در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، آموزش عالی آمریکا مخصوصاً تحقیقات دانشگاهی این کشور، برترین‌ها در سطح جهان بود. با جذب دانشجویان و محققان، ایالات متحده تبدیل به بزرگ‌ترین کشور میزبان دانشجویان خارجی گردید. به‌علاوه، انگلیسی به زبان اصلی علم و تحقیقات تبدیل شد و دانشگاه‌های ایالات متحده بر ارتباطات علمی و تحقیقاتی نیز تسلط یافتند. توانایی و جذابیت آموزش عالی آمریکا- که به‌واسطه نبرد ایده‌ها در جنگ سرد پیشرفت کرده بود- تبدیل به یک عنصر حیاتی برای حکومت ایالات متحده در افزایش قدرت نرم خود و برتری یافتن بر دیگر کشورها گردید (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۷۷). به طور سنتی، ایالات متحده آمریکا دو رویکرد برای دیپلماسی عمومی خود داشته است؛ رویکرد نخست تمرکز بر ابزار رسانه و پیام مانند برنامه صدای آمریکا، فیلم و کتاب بوده است و رویکرد دوم تبادلات فرهنگی

^۱. Farfield Foundation

و آموزشی یا دیپلماسی شهروندی می باشد که بهترین مثال آن برنامه فولبرایت است که پس از جنگ جهانی دوم به منظور پیشبرد درک مشترک میان مردم ایالات متحده با سایر ملل جهان ایجاد شد. تاثیر این برنامه‌ها به حدی بود که ۹۹٪ افراد شرکت کننده درک بهتری از ایالات متحده در ذهن داشتند (www.washingtoninstitute.org). در ادامه به این پرسش پاسخ خواهیم داد که ایالات متحده آمریکا چگونه از ظرفیت های آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی خود بویژه در قبال ایران استفاده می نماید؟ فرضیه ما بر این است که این کشور با استفاده از ابزارهای دانشگاهی و جذابیت های علمی خود، توانسته است بیشترین مبادلات آموزشی را در سطح جهان داشته باشد و از این طریق ضمن انتقال ارزش های خود به دانشگاهیان، قدرت نرم خود را افزایش دهد. رویکرد این مقاله بر مبنای نظریه قدرت نرم جوزف نای و با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و استناد به آمار و داده های در دسترس می باشد که ضمن بررسی نقش آموزش عالی ایالات متحده در دیپلماسی فرهنگی این کشور، به عملکرد آن در قبال ج.ا. ایران خواهیم پرداخت.

۱. مبانی نظری

قدرت نرم، واژه‌ای است که در نظریه‌های روابط بین‌الملل برای توصیف توانایی یک مجموعه سیاسی، مانند دولت به کار می‌رود. توانایی ای که به طور مستقیم بر رفتار یا منافع سایر نهادهای سیاسی، از طریق شیوه های فرهنگی و ایدئولوژیکی تاثیرگذار است. مقوله قدرت نرم در نظریات جدید، مفهومی ترکیبی بوده و فراتر از چارچوب قدرت سخت است و شامل مؤلفه هایی نظیر فرهنگ، ارزش‌ها، سیاست خارجی و تولیدات علمی و فن آوری می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷۹) به عقیده جوزف نای این شکل از قدرت، توانایی به دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین، جهت تحقق اهداف خود به دست آوریم. این نوع قدرت با قدرت سخت متفاوت است؛ چرا که جذب بسیار ارزانتر و کاراتر از اجبار است (Nye, 2004: 62). به عبارت دیگر قدرت نرم، توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های دیگران است. در سطح انسانی، قدرت جذب و اغوای دیگران است. توانایی ایجاد اولویت‌ها از طریق امتیازهای غیرملموس مثل شخصیت، فرهنگ، نهادها و ارزش‌های سیاسی و

سیاست‌هایی که مشروع و قانونی هستند و اقتدار اخلاقی دارند به دست می‌آید. قدرت نرم یک کشور اساساً بر سه منبع استوار می‌شود: فرهنگ آن کشور؛ به شکلی که برای بازیگران دیگر جذاب است؛ ارزش‌های سیاسی آن کشور؛ زمانی که در داخل و خارج ملموس باشد؛ و سیاست‌های خارجی آن کشور؛ زمانی که مشروع جلوه کنند و دارای مشروعیت اخلاقی نیز باشند.

فرهنگ یک منبع قدرت نرم است: جاذبه‌هایی را ایجاد می‌کند که از طریق رأی‌گیری از مردم یا گروه‌های متمرکز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این که آیا این جاذبه‌ها سیاست‌های دلخواه را بوجود می‌آورد باید در موارد خاص، مورد ارزیابی قرار گیرد. شکاف میان قدرت ارزیابی شده به عنوان قدرت منابع و قدرت داوری شده به عنوان قدرت رفتاری، منحصر به قدرت نرم نیست بلکه در همه اشکال قدرت رخ می‌دهد. تفاوت میان قدرت منابع و قدرت رفتاری برای فهم رابطه میان قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی مهم است. در سیاست بین‌الملل منابعی که قدرت نرم را ایجاد می‌کنند از ارزش‌های یک سازمان یا یک کشور که در فرهنگش اعمال می‌کند، برای مثال از طریق اعمال و سیاست‌های داخلی اش و روشی که در روابطش با دیگر کشورها رفتار می‌کند، ناشی می‌شود. دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی است که حکومتها برای نوسازی این منابع استفاده می‌کنند تا بیش از آن که صرفاً حکومت کشورهای دیگر را جذب کنند مردم آن کشورها را جذب کنند. اگر محتوای فرهنگ، ارزش و سیاست‌های کشوری جذاب نیستند دیپلماسی عمومی که آن‌ها اشاعه می‌دهند نمی‌تواند قدرت نرم ایجاد کند بلکه ممکن است تنها مخالف ایجاد کند. به صورت کلی می‌توان گفت، دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلائی قدرت نرم به شمار می‌رود که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کرده و او را ترغیب به همکاری نمایند. (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۷)

کشورهای قدرتمند برپایه جنگ نرم با ورود به حوزه‌های مختلفی مانند آموزش، علم، موسیقی، فیلم، کتاب و سبک زندگی، با ایجاد جذابیت، رفتار و سبکی را به مردم و حاکمان کشورهای هدف تعریف و القا می‌کنند که خود خواستار آن می‌باشند.

سهام آموزش در تولید قدرت نرم و شکل دهی به هویت دولت‌ها از آن جهت قابل توجه ارزیابی می‌گردد که متکی بر انسان‌ها و ذهن آنان است. سهم آموزش در این راستا می‌تواند

_____ نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا: با... ◇

ایجاد جاذبه موقتی کشور میزبان، به عنوان انگیزه ابتدایی برای مشارکت در برنامه آموزشی بین‌المللی باشد که در آن دانشجویان خارجی در ابتدا نه اینکه کشور میزبان را دوست داشته باشند، بلکه بتوانند با آن به گفت و گو نشست و تصویر مثبتی نسبت به قبل از آن داشته باشند. (محمدی پور، ۱۳۹۳: ۴۵)

۲. نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا: تأثیرگذاری نخبه‌گرا

همان‌گونه که گفته شد، آموزش عالی، از منابع مهم قدرت نرم آمریکا محسوب می‌شود. تقریباً در همه کشورها اشتیاق برای رفتن به دانشگاه‌های هاروارد، کالیفرنیا، استنفورد، برکلی و... وجود دارد. همچنین میزان ثبت‌نام از دانشجویان خارجی، میزان برندگان جایزه نوبل، میزان انتشار کتب و مقالات علمی-پژوهشی و بسیاری دیگر از موارد آموزشی و پژوهشی را به‌عنوان یک منبع قدرت نرم تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و اعمال قدرت در اختیار دارد (خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۷).

بسیاری از ناظران بر این باورند که آموزش عالی آمریکا قدرت نرم قابل توجهی برای ایالات متحده تولید می‌کند. برای مثال کالین پاول، وزیر امور خارجه، در سال ۲۰۰۱ گفت: «من نمی‌توانم داشته‌ای با ارزش‌تر از دوستی با رهبران آتی دنیا که در اینجا تحصیل کرده‌اند برای کشور خودمان نام ببرم.» (www.bahaneha.com) منتقدان دیدگاه محافظه‌کاران جدید، چون راس از وزارت امور خارجه آمریکا می‌گوید: معرفی و تبیین سیاست خارجی آمریکا برای مخاطبان خارجی، نیمی از مسئولیت دیپلماسی عمومی محسوب می‌شود و نیمی دیگر، معرفی ارزش‌ها و مردم آمریکاست. این موضوع به‌خوبی در قانون فولبرایت نیز مطرح شده است که دولت آمریکا موظف شده است تا فعالیت‌هایی را برای درک متقابل اجرا نماید (Ross, 2002: 73-83).

به اعتقاد نظریه پرداز قدرت نرم، جوزف نای، «در جنگ سرد، با تلفیقی از قدرت سخت و نرم، اقدام نمودیم. تبادلات آکادمیک و فرهنگی میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی که در دهه ۱۹۵۰ آغاز گشت، نقش مهمی در تقویت قدرت نرم آمریکا ایفا نمود. دلواپسان آمریکایی در آن زمان هراس داشتند که دانشمندان و عوامل کاگب که به آمریکا می‌آیند، «از غفلت ما

سوءاستفاده کنند»؛ با این وجود ایشان از این امر غافل بودند که این افراد ایده‌های سیاسی را همراه با رازهای علمی ما در خود جذب می‌کردند. از آنجا که مبادلات بر نخبگان تأثیر گذاشت، یک یا دو عامل ارتباطی کلیدی می‌تواند تأثیر سیاسی عمیقی داشته باشد. برای مثال الکساندر یاکوف به شدت متأثر از مطالعات خود در کنار دیوید ترومن، استاد علوم سیاسی در دانشگاه کلمبیا به سال ۱۹۵۸ بود. یاکوف بعدها ریاست یک مؤسسه بسیار مهم را بر عهده گرفت، به عضویت پولیتوبرو درآمد و تأثیرات لیبرالیزه‌سازی بسیار زیادی بر میخائیل گورباچوف، رهبر شوروی، گذاشت. (www.net.educause.edu)

بین سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸، ۵۰ هزار روس در قالب برنامه‌های تبادلات رسمی از ایالات متحده آمریکا بازدید کردند. برخلاف امروز که سیاست‌های محدودسازی دادن روایید باعث شده است که شمار درخواست دانشجویان خارجی برای پذیرفته شدن در ایالات متحده کاهش بیابد. پیامدهای بلندمدت این محدودیت آن است که دانشجویان با استعداد خارجی به دنبال آموزش‌های عالی در دیگر نقاط جهان خواهند رفت و در نتیجه آمریکا فرصت نفوذ بر دانشجویان خارجی و آموختن از ایشان را از دست می‌دهد. این خود باعث از میان رفتن آگاهی آمریکا از اختلافات فرهنگی آن‌هم زمانی که نیاز مبرم به درک تصورات خارجی از خود دارد. (www.educause.edu) در این زمینه جنیس جیکوبز، معاون خدمات روایید وزارت امور خارجه در سال ۲۰۰۵ در پنجاه و هفتمین کنفرانس سالانه انجمن مریان بین‌المللی که پیش‌تر انجمن ملی امور دانشجویان خارجی نام داشت، اظهار داشت: ایالات متحده آماده پذیرش دانشجویان خارجی علاقه‌مند به تحصیل در این کشور است و به کارکنان مأمور در خارج از کشور ایالات متحده ابلاغ گردیده تا برای دانشجویان و بازدیدکنندگان تبادلی اولویت قائل شوند. وی یادآوری کرد اگرچه حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برخی از سیاست‌های مربوط به صدور ویزای این وزارتخانه را تغییر داد، کسانی که تصور می‌کنند برداشت‌های قبلی از تغییرات روند دریافت ویزا مانعی برطرف نشدنی جهت سفر یا تحصیل در ایالات متحده است در اشتباه هستند. او گفت در روند ایجاد شده صدور ویزا بسیار از واقعیت به دور است. وزارت امور خارجه به شدت در تلاش است تا از آنچه که امیدواریم به بازگشت دانشجویان بین‌المللی، بازدیدکنندگان تبادلی، دانشمندان و تاجران ... منتهی شود حمایت نماید (www.photos.state.gov).

الف. ساختارها و کارگزاران مرتبط با دیپلماسی فرهنگی و آموزشی

ایالات متحده آمریکا برای پیشبرد دیپلماسی عمومی، فرهنگی و رسانه‌ای خود مبادرت به یک رشته نهادسازی، تصویب قوانین و برنامه‌ها برای اقدامات معطوف به ارتباطات و اطلاع‌رسانی، آموزش، توجیه و تفاهم و مبادلات فرهنگی و علمی دست زده است که سابقه و حرکت نخستین همه آن‌ها به شکل جدید و نهادینه به ۷۵ سال پیش باز می‌گردد. در طی این سال‌ها (از ۱۹۴۰ تا ۲۰۱۵ میلادی) نهادهایی نظیر اداره اطلاعات جنگ، آژانس اطلاعات آمریکا، آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا، اداره روابط آموزشی و فرهنگی، اداره اطلاعات بین‌المللی و امور فرهنگی، اداره اطلاعات بین‌المللی و مبادله آموزشی، برنامه بین‌المللی دیدار کننده، شورای دیدار کنندگان بین‌المللی، مرکز بین‌المللی مهمان‌پذیری، شورای دیپلماسی آمریکا و خدمات اطلاعات ایالات متحده تأسیس شدند. برخی از آن‌ها در هم ادغام شدند، نهادی دیگر شکل گرفت یا تغییر نام یافتند و در هر صورت مأموریت اصلی را «پیشبرد فهم بهتر از ایالات متحده در دیگر کشورها و افزایش درک متقابل... و نفوذ در مخاطبان خارجی» دنبال کردند (خرازی محمدوندی، ۱۳۸۸: ۱۱۱). وزارت امور خارجه آمریکا سه هدف استراتژیک را در این نوع دیپلماسی دنبال می‌کند که این سه هدف معرفی ارزش‌ها و اعتقادات آمریکا، نشان دادن فرصت‌هایی که به برقراری دموکراسی حاکمیت خوب^۱ و بازار آزاد منجر می‌شود و در نهایت حمایت آموزشی از جوانان عنوان می‌کند (درویش، ۱۳۸۴: ۱۴۲). بر همین اساس مراکز و مؤسساتی در جهت تحقق اهداف یاد شده که در نهایت منجر به افزایش قدرت نرم این کشور خواهد شد، ایجاد گردیده و این وظیفه را عهده‌دار می‌باشند. در ذیل به معرفی مهم‌ترین این نهادها و سازمان‌ها می‌پردازیم.

۱) آژانس اطلاع‌رسانی ایالات متحده^۲

آژانس اطلاع‌رسانی ایالات متحده نخستین نهادی بود که به صورت رسمی فعالیت‌های آمریکا را به عنوان دیپلماسی عمومی مدنظر قرار داد. این سازمان زیر نظر رییس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۵۳ تأسیس گشت و بر اساس اسناد منتشر شده، بزرگ‌ترین هدف آن، ارتقا درک متقابل

^۱. Good Governance

^۲. US Information Agency

میان مردم آمریکا و مردم دیگر کشورهای جهان بود که این هدف را عمدتاً با پیشبرد اقدامات دانشگاهی و فرهنگی پی می گرفت. این سازمان، در ۱۴۲ کشور جهان ۱۹۰ دفتر داشته و بودجه سالانه آن بیش از یک میلیارد دلار بود. به طور کلی دو کارویژه عمده هدایت و تنظیم برنامه‌های رادیویی و تبادلات فرهنگی و دانشگاهی به آژانس اطلاع‌رسانی سپرده شده بود. در زمینه فعالیت‌های رادیویی این سازمان عهده‌دار هدایت برنامه‌های رادیو صدای آمریکا، رادیو مارتی به منظور پخش برنامه برای کوبا و رادیو اروپای آزاد شد که در دوران جنگ سرد عهده‌دار تبلیغات ضد کمونیستی بود. کارویژه دوم این سازمان تبادلات فرهنگی و دانشگاهی بین‌المللی بود که برنامه بورس فولبرایت در قالب آن قرار داشت. این وظیفه به‌ویژه تبادل دانشجو و استاد و اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان کشورهای موردنظر بود. این نهاد در سال ۱۹۹۹ با توجه به گسترده شدن فعالیت‌های آمریکا در عرصه دیپلماسی عمومی، در معاونتی به این منظور در وزارت امور خارجه آمریکا ادغام شد. (احدی، ۱۳۸۷: ۱۸۵) به طور کلی این آژانس دو برنامه فرهنگی را اداره می‌کند که به جامعه دانشگاهی ارتباط دارد؛ یکی برنامه «فولبرایت» و دیگری برنامه «سخنگویان». برنامه فولبرایت احتمالاً شناخته شده ترین فعالیت فرهنگی آژانس اطلاعات ایالات متحده است. این برنامه طیف متنوعی را تشکیل می‌دهند از دانشجویان کارشناسی تا محققان ارشد و گاهی افراد غیر دانشگاهی. در حال حاضر ۴۸۰۰ کمک هزینه فولبرایت در هر سال اعطا می‌شود. در بیرون از مرزهای ایالات متحده، مأموران امور فرهنگی به انجای گوناگون با این برنامه مرتبطند. تدارکات اداری از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند ولی برنامه در مجموع یا منحصرأ به دست آژانس اطلاعات و معمولاً مأموران امور فرهنگی اداره می‌شود یا به دست نهادی دولتی که در آن مأموران امور فرهنگی نقش فعالی دارد و به‌عنوان رابط اصلی با دولت آمریکا انجام وظیفه می‌کند. برنامه سخنگویان را مأموران امور فرهنگی یا در شعب بزرگ، قائم‌مقام آن‌ها، اداره می‌کنند. این برنامه را تقریباً همه‌جا با عنوان برنامه «امپارت» (مخفف American Participan) می‌شناسند. در این برنامه سالانه حدوداً ۷۰۰ آمریکایی به خارج اعزام می‌شوند. این افراد نه فقط کیفیت زندگی فکری آمریکایی را نشان می‌دهند، بلکه پیوندهای طولانی‌مدتی میان دانشگاه‌های آمریکایی و کشورهای مقصد برقرار می‌کنند (فیلد رایان، ۱۳۹۲: ۵۲).

۲) معاونت امور دیپلماسی عمومی و روابط عمومی وزارت امور خارجه

این معاونت دارای سه بخش و زیر مجموعه می‌باشد:

الف) امور فرهنگی و آموزشی:^۱ این بخش خود شامل دو دفتر به نام‌های دفتر امور دانشگاهی^۲ و دفتر امور مبادلات حرفه‌ای و فرهنگی^۳ بوده که در وزارت امور خارجه آمریکا به‌عنوان تاج جواهرات دیپلماسی عمومی از آن یاد می‌شود. اهم وظایف و فعالیت‌های این دو دفتر عبارت‌اند از مدیریت کلیه برنامه‌های دانشگاهی که توسط وزارت امور خارجه حمایت مالی می‌شوند، شامل برنامه فولبرایت^۴ برای دانشجویان، مدرسان و محققان و سایر بورس‌های تحصیلی؛ برنامه‌های هم‌افری^۵ مربوط به تبادل اساتید، برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی، برنامه‌های مطالعات آمریکا، ارائه مشاوره به دانشجویان خارجی و بازاریابی برای مؤسسات آموزش عالی آمریکا از طریق شبکه دفاتر آموزشی ایالات متحده^۶ در سراسر جهان، فعالیتی که هدف آن حمایت از تحقیقات ویژه فعالیت‌های مردم با مردم از طریق مراکز شورای تحقیقاتی آمریکایی تحقیق خارج از کشور^۷ و فعالیت‌های طراحی شده برای حمایت از منافع آموزشی آمریکا در سازمان‌های بین‌المللی و ابتکارات چند جانبه است. این دفتر فعالیت‌های اصلی خود را با اتکا به برتری و امتیاز دانشگاه‌های آمریکایی و اعتبار جهانی آن‌ها برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند. بودجه این دفتر سالیانه بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار است که ۳۵٪ آن از منابع دولتی تأمین می‌شود.

ب) دفتر برنامه‌های اطلاعات بین‌المللی^۸

پ) روابط عمومی^۹ (صنایع، ۱۳۸۷: ۲-۴)

^۱ . Educational & Cultural Affairs

^۲ . Academic Affairs

^۳ . Office of Professional & Cultural Exchanges

^۴ . Fulbright Program

^۵ . Humphrey Program

^۶ . Office of Education USAs Network

^۷ . Council of American Overseas Research Centers

^۸ . International Information Programs

^۹ . Public Affairs

۳) هیئت مبادلات و تحقیقات بین‌الملل^۱

این هیئت یک سازمان غیرانتفاعی در زمینه تسهیل ارتباطات علمی و آموزشی و... می‌باشد.

۴) انجمن آمریکایی پیشبرد علم^۲

انجمن آمریکایی برای پیشرفت علم، یک سازمان بین‌المللی غیرانتفاعی است که از آن به عنوان یک رهبر و یا سخنگو برای پیشبرد علم در جهان می‌توان نام برد. (www.techdiplomacy.ir) این سازمان مأموریت خود را «ارتقای علم، مهندسی و نوآوری در سراسر جهان به نفع همه مردم» تعریف کرده است و برای انجام این مأموریت اهداف گسترده‌ای را تعیین کرده که از آن جمله تقویت ارتباط میان دانشمندان، مهندسان و عموم مردم و پیشبرد همکاری‌های بین‌المللی در علم می‌باشد (www.aaas.org).

این مرکز برای دستیابی به اهداف زیر تأسیس شده است؛ استفاده از علم برای ساختن پلی بین دو کشور و ارتقا سطح همکاری‌های علمی به‌عنوان عنصری ضروری در سیاست خارجی. این مرکز فعالیت‌های خود را در سه سطح طبقه‌بندی کرده است: یکم، الهام بخشی؛ بالا بردن ویژگی‌های دیپلماسی علم با ایجاد و تشکیل یک جامعه از سهامداران برای ابتکارات و فعالیت‌های دیپلماسی علم؛ دوم، عملیاتی؛ راه‌اندازی مبادلات، بازدیدها و فعالیت‌های دوجانبه برای ایفای دیپلماسی علم در عمل؛

سوم، فکری؛ ایجاد یک‌پایه و اساس برای تحقیق، تجزیه و تحلیل برای شناسایی و تعریف مسائل کلیدی در دیپلماسی علم و توسعه استراتژی دیپلماسی علم. از زمان تأسیس در سال ۲۰۰۸، این مرکز علاقمند به شناسایی فرصت‌های علم به‌عنوان کاتالیزوری برای جوامعی که روابط رسمی بین آن‌ها محدود است و برای تقویت ارتباط بین جوامع مدنی از طریق همکاری‌های علمی و فناوری می‌باشد.

در این راستا، مرکز در سال ۲۰۱۲، امکان دسترسی فصلنامه مرکز علوم و دیپلماسی را ایجاد کرد. به‌علاوه جایزه این انجمن برای دیپلماسی علم که پیش‌تر این جایزه به‌عنوان جایزه انجمن

^۱ . International Research Exchange Board

^۲ . American Association For the Advancement of Science (AAAS)

برای همکاری‌های علمی بین‌المللی بود هر ساله به افراد و گروه‌های کوچک بدون در نظر گرفتن ملیت و تابعیت آنان که به پیشبرد دیپلماسی علم کمک نمایند، اهدا می‌شود (قدیمی، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

۵) دفتر مشاوره علم و فناوری

دفتر مشاوره علم و فناوری وزارت خارجه آمریکا ۱ در سال ۲۰۰۰، توسط دکتر ویلیام بیل کواگلایزیر^۲ تأسیس شد. این دفتر مشاوره علم و فناوری وزارت خارجه آمریکا بر اساس مطالعات شورای تحقیقات ملی در سال ۲۰۰۰، ایجاد شد. مطالعات این شورا نشان می‌داد که نقش دانشمندان در سیاست خارجی آمریکا در زمانی که نقش علم و فناوری در بسیاری از جنبه‌های سیاست خارجی افزایش پیدا کرده است بسیار کاهش یافته است این دفتر وظیفه ارائه منابع مورد نیاز و نیز مشاوره در زمینه علم و فناوری را به دفاتر مختلف وزارت خارجه بر عهده دارد (www.techdiplomacy.ir). در ادامه برخی از فعالیت‌های این دفتر به اختصار بررسی می‌گردد.

یکم، بورس‌های علم و فناوری: بررسی‌های مربوط به پیشرفت و دیپلماسی هر چهار سال یکبار انجام می‌گیرد. این تحقیقات در سال ۲۰۱۰، نیاز به تخصص‌های فنی را برای حل مشکلات قرن ۲۱ ضروری نشان می‌داد و راه‌حل آن را گسترش بورس‌های تحصیلی در حیطه سیاست خارجی دانست.

بنابراین، دفتر مشاوره علم و فناوری در وزارت خارجه آمریکا مدیریت بورس‌های متفاوتی را در سطح دکترا بر عهده گرفت تا دانشمندان و مهندسان را برای مدت ۱ تا ۲ سال کار در وزارت خارجه آماده کند.

بورس جفرسون^۳ برنامه بورس سیاسی انجمن آمریکایی برای پیشبرد علم و فناوری^۴ برنامه بازدیدهای پژوهشی ویلیام فاستر^۵، برنامه همکاری فرانکلین^۱، بورس تحصیلی سیاست دریایی

^۱ . Office of the science & technology adviser (STAS)

^۲ . Dr. E. William "Bill" Colglazie

^۳ . Jefferson science Fellowship Program

^۴ . Jefferson science Fellowship Program American Association for the Advancement of Science (AAAS) Science and Technology Policy Fellowships Program

^۵ William C. Foster Fellows Visiting Scholars Program

دین جان کنوس^۲ و بورس فولبرایت از جمله این بورس‌ها است. هدف از این بورس‌ها تقویت سیاست‌ها و رویه‌های علمی و مبتنی بر تجربه به وسیله به کارگیری دانشمندان و مهندسان در طیف وسیعی از رشته‌ها با پیش زمینه‌ها و سطوح متفاوت شغلی عملی می‌شود تا این متخصصین دانش و مهارت تحلیلی‌شان را برای کمک به دولت آمریکا استفاده کنند.

دوم، سخنرانی‌های علمی: این دفتر همکاری نزدیک با اداره اقیانوس‌ها و محیط زیست بین‌المللی و امور علمی^۳ و دفاتر دیپلماسی عمومی به منظور تعامل با مردم خارج از کشور در مورد مسائل علمی و مهندسی دارد. بخشی از وظیفه دانشمندان و متخصصان به کار گرفته شده در وزارت خارجه ایفای سخنرانی‌های علمی در سفرهای بین‌المللی است. دفتر مشاوره علم و فناوری و همکاران علمی آن تلاش می‌کنند تا فرصت‌هایی را برای صحبت کردن بیشتر جوامع علمی و مهندسی ایالات متحده با جوامع دیگر فراهم کنند.

سوم، رصد علم و فناوری دنیا: از دیگر فعالیت‌های این همکاران علمی وزارت خارجه رصد فناوری‌های انتقالی و در حال ظهور می‌باشد. این فناوری‌های در حال ظهور و انتقالی به احتمال زیاد اثرات قابل توجهی در موضوعات سیاسی و اقتصادی دارند. مشاوران علمی با تجزیه و تحلیل، تصمیم‌سازی کرده و آن‌ها را به تصمیم‌گیرندگان ارشد توصیه می‌نمایند (قدیمی، ۱۳۹۲: ۸۰).

چهارم، طرح پژوهشگران Nexxt: این طرح به دنبال تعامل بیشتر زنان جوان از سراسر جهان در علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات است که از این طریق آن‌ها را برای رهبری نسل بعدی در علوم، مهندسی و نوآوری آماده می‌کند. این طرح با همکاری سی‌وهفت کالج زنان در آمریکا انجام می‌شود و جامعه هدف آن بانوان کشورهای اسلامی است و فرصت را برای تحصیلات آن‌ها در کنار بانوان آمریکایی مهیا می‌نماید.

پنجم، گفت‌وگوی جهانی در زمینه علم و فناوری در حال ظهور: بر اساس این برنامه وزارت امور خارجه با کشورهای جنوب صحرای آفریقا در بخش عمومی، خصوصی و سازمان‌های

¹. Franklin Fellows Program

². Dean John A. Knauss Marine Policy Fellowship

³. Bureau of Oceans and International Environmental and Scientific Affairs (OES)

غیردولتی همکاری علمی می‌نماید. هدف اولیه این کار کشف فرصت‌ها و ایجاد تعمیق ارتباط و همکاری در زمینه علوم جغرافیایی در جهت توسعه پایدار اعلام شده است. این کار باعث شده تا مجموعه پایگاه‌های داده‌ها در مورد زمین در بورکینافاسو، نامیبیا و اوگاندا در همکاری با شرکای تجاری آمریکایی و آفریقایی ایجاد شود. به‌طور کلی می‌توان گفت دولت آمریکا برای افزایش نقش علم و فناوری در سیاست خارجی خود برنامه‌ریزی بسیار جدی انجام داده و اقدامات مختلفی در این راستا انجام داده است. به‌طور خاص این فعالیت‌ها در دفتر مشاوره علم که در وزارت خارجه آمریکا مستقر شده است برنامه‌ریزی می‌شود که تمرکز آن‌ها نیز بر استفاده از بورس‌های تحصیلی و سخنرانی‌های علمی است. مشاهده می‌شود که ضرورت توجه ظرفیت‌های علمی فناوری در حوزه روابط خارجی برای سیاستمداران آمریکایی به یک مسئله روشن تبدیل شده و به خوبی درک می‌شود (قدیمی، ۱۳۹۲: ۸۲-۸۱).

ب. شیوه‌های به‌کارگیری آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده

۱) بورسیه‌های تحصیلی

یکی از جامع‌ترین و مهم‌ترین برنامه‌ها و طرح‌هایی که در سال ۱۹۴۶م. با هدف نهادینه کردن دیپلماسی فرهنگی در چارچوب سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تعریف شد و به اجرا درآمد، لایحه‌ای بود که به ابتکار سناتور ویلیام فولبرایت، از ایالت آرکانزاس، به تصویب دولت ایالات متحده آمریکا رسید. این برنامه که بعدها به نام خود وی به برنامه فولبرایت معروف شد، طی پنجاه سال حیات خود، یعنی تا سال ۱۹۹۶م. توانست امر تبادل حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر در حوزه مبادلات فرهنگی میان آمریکا و سایر کشورهای جهان را میسر سازد (خانی، ۱۳۸۴: ۴۱).

یکی دیگر از برنامه‌های موفق، بورسیه هیوبرت همفری است که متخصصان میان‌رتبه با استفاده از آن، برای گذراندن دوره‌های آموزشی به آمریکا مسافرت می‌کنند. رهبران آینده این کشورها باید به آمریکا سفر کنند و دیپلمات‌های آمریکایی باید چنین افرادی را شناسایی نمایند (داد درویش، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

با نگاهی به نظریات رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی می‌توان دریافت که عمده

¹. Fulbright Program

نظریه‌پردازان این حوزه که به ارائه مدل رشد برای کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه پرداختند، دانش‌آموختگان بورس شده در دانشگاه‌های ایالات متحده بودند. با فرارسیدن دهه ۵۰، فعالیت مؤسسات خصوصی و بنیادها در کشورهای جهان سوم و ارائه مدل‌های توسعه‌یافتگی وارد مرحله نوینی شد. نظریه روستو تحت عنوان مراحل رشد اقتصادی که در سال ۱۹۵۰ منتشر شد، به کمک یک بورس اعطایی از جانب بنیاد کارنگی انجام گرفت که این بنیاد، با هماهنگی تصمیم‌گیران سیاسی آمریکا از این‌گونه نظریات حمایت می‌کرد. هدف سیاست‌گذاران آمریکا، تبدیل جوامع روستایی و دهقانی جهان سوم به نمونه کوچکی از جامعه جدید مصرفی غربی بود و حمایت و پرورش نخبگان این کشورها برای انعکاس این‌گونه نظریات، نقش حیاتی برای منافع ملی آمریکا و بالتبع افزایش قدرت نرم این کشور داشت (دادرویش، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

از همه مهم‌تر، تأثیر بورسیه‌ای است که بیش از همه، خود ایالات متحده را تحت تأثیر قرار داد. بی‌بی‌سی در گزارش خود در آستانه سفر باراک اوباما به سرزمین پدری‌اش آورده است: «تام بويا، از فعالان اتحادیه کارگری اهل کنیا بود که بعدها سیاستمدار شد. وی که در کالج راسکین در آکسفورد درس خوانده بود، بورس تحصیلی را تأسیس کرد تا جوان‌های باهوش آفریقایی را به آمریکا و کانادا اعزام کند. هدف از اعزام دانشجویان این بود که آن‌ها مهارت‌های ضروری را کسب کرده و به جای کارکنان سفیدپوست دولتی برای بازسازی کشور وارد عمل شوند. یکی از آن دانشجویان فردی به نام باراک اوباما پدر رییس‌جمهور فعلی ایالات متحده آمریکا بود. باراک اوبامای پدر اولین دانشجوی آفریقایی بود که در دانشگاه هاوایی مشغول تحصیل شد. در آنجا وی عاشق دختر جوان آمریکایی به نام آن دانهام شد و با وی ازدواج کرد. آن‌ها صاحب یک پسر شدند که به نام پدر باراک، باراک حسین اوبامای دوم، نامیده شد. فیلیپ اوچینگ، ستون نویس کنیایی، از جمله کسانی بود که با بورس تحصیلی به آمریکا رفت. آن‌گونه که وی می‌گوید: «آمریکا تشنگی من برای دانش را سیراب کرد» تقریباً ۸۰۰ دانشجو از کنیا و کشورهای دیگر در شرق آفریقا توانستند با این برنامه بورس آموزش ببینند. دانش‌آموختگان دیگری که چنین بورس‌هایی دریافت کردند عبارت‌اند از وانگاری مآتای که اولین زن آفریقایی بود که به دریافت جایزه صلح نائل شد و دانشمند ژن‌شناس فقید روبن اولمبو که مدیر آژانس محیط‌زیست سازمان ملل شد و نهایتاً پدر رییس‌جمهور فعلی آمریکا، باراک اوباما. در آن سوی آتلانتیک ویلیام ایکس

شاینمن، تاجر آمریکایی که دوست نزدیک تام بویا بود، در این زمینه همکاری و شراکت می‌کرد و هر دو از حمایت رئیس‌جمهور جان اف کندی برخوردار بودند.

هاری بلافونته، موسیقی‌دان و فعال اجتماعی و سیدنی پواتیه، هنرپیشه و بسیاری دیگر در زمینه جمع‌آوری کمک مالی فعالیت می‌کردند. بلافونته بعدها در مورد بورس اوبامای پدر نوشت: «تصور آن را بکنید که اگر به خاطر حمایت بنیاد دانشجویان سیاه‌پوست آمریکایی نبود و او به آمریکا نمی‌آمد، چه کسی اکنون در کاخ سفید می‌بود؟» اوبامای پدر که همچون پسر از هاروارد فارغ‌التحصیل شد، در سال ۱۹۶۸ به کنیا بازگشت و در نهایت به‌عنوان یک اقتصاددان برای دولت کار کرد (www.bbc.com/news).

۲) تبادلات آموزشی

به عقیده کوین مالکای تلاش آمریکا در اواسط نیمه اول قرن بیستم برای اتخاذ یک دیپلماسی مؤثر فرهنگی در آمریکای لاتین را آغازگر یک اقدام مهم و بی سابقه در تاریخ دیپلماسی فرهنگی می‌داند که بعدها در سایر نقاط جهان نیز مورد توجه سیاست خارجی ایالات متحده قرار گرفت. این اقدام مشخصاً در سال ۱۹۳۶م. توسط آمریکا در کنفرانسی که در کشور آرژانتین برگزار شد، مطرح و در قالب کنوانسیون بوئنوس آیرس شکل گرفت (Mulcahy, 1999: 11). اصلی‌ترین نکته و راهکار در این سند تأکید بر نقش تبادل هیئت‌های فرهنگی متشکل از دانشجویان، دانشمندان، هنرمندان، اساتید دانشگاه‌ها و مؤسسات غیردولتی میان ایالات متحده و دیگر کشورها بود. از دیدگاه آمریکاییان برنامه‌های تبادل دانشجو می‌تواند نقش حیاتی در تأمین امنیت ملی و رسیدن به اهداف خارجی دیپلماسی کشور ایفا کند و لذا این کشور برای این امر در یک برنامه ده‌ساله مبلغی معادل ۱۲۵ میلیون دلار را پیش‌بینی کرده است (خانی، ۱۳۸۴: ۵). از نظر توزیع جغرافیایی این تبادل دانشجو باید بر مناطق و کشورهای هم‌چون اروپای غربی و خاورمیانه متمرکز باشد؛ چرا که مقوله امنیت ملی آمریکا در این مناطق مسئله‌ای حادث‌تر و مهم‌تر است. برای نیل به این هدف هم اکنون بیشتر دانشگاه‌های آمریکا برنامه‌های تبادل دانشجو با دانشگاه‌هایی در اقصی نقاط جهان را در دستور کار خود قرار داده‌اند (همان منبع). دولت آمریکا معتقد بود که با افزایش فعالیت‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی در قبال جهان اسلام، می‌بایست افکار عمومی مسلمانان را در جهت مورد نظر خود هدایت کرده و آنان را نسبت به

اهداف و منافع خود در منطقه خاورمیانه متعهد ساخت. در سال ۲۰۰۳ یک چهارم بودجه برنامه‌های آموزشی و مبادلاتی فرهنگی خارجی آمریکا به کشورهای خاورمیانه اختصاص یافت. در حال حاضر، هزاران دانشجوی آمریکایی در برنامه‌های مطالعات خاورمیانه در آمریکا تحصیل می‌کنند ولی تعداد اندکی از دانشجویان خاورمیانه به تحصیل در برنامه‌های مطالعات آمریکا مشغول هستند. در حقیقت نخستین برنامه مطالعات آمریکا در خاورمیانه در سپتامبر ۲۰۰۰ در اردن تأسیس شد. اگر چه دوره‌های مختلف آموزشی در دانشگاه‌های آمریکایی بیروت و قاهره برگزار می‌شود، ولی اکثر دانشجویان عرب، فرصت و امکانات لازم برای آشنایی با فرهنگ، جامعه، سیاست و دولت آمریکا را در اختیار ندارند. اما نکته جالب توجه این است که بر اساس آماري که دولت آمریکا منتشر کرده، بیش از ۵۰ درصد از رهبران ائتلاف علیه تروریسم را بعد از انفجارهای یازدهم سپتامبر، افرادی تشکیل می‌دهند که زمانی در برنامه تبادل دانشجو در آمریکا تحصیل کرده‌اند. معاون وزارت امور خارجه آمریکا توصیه نموده است که آمریکا تعداد افرادی را که در برنامه تبادل دانشجو شرکت می‌کنند، افزایش دهد (داد درویش، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

به گفته یک مقام وزارت امور خارجه آمریکا در کنفرانس سالانه مدیران آموزشی در نیواورلئان، ایده «دیپلماسی آموزشی» در بالاترین سطح از سیاست خارجی آمریکا مطرح شده است. مگان کورتیس معاون دستیار وزیر در برنامه‌های آکادمیک در دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه ایالات متحده گفت که این اداره همیشه با این فکر اداره می‌شده که ما می‌توانیم جهانی باثبات، صلح‌آمیز و مرفه داشته باشیم اگر همگی همدیگر را بفهمیم به همین علت موضوع تعامل با جهان اسلام فوق‌العاده مهم است. کورتیس با تأکید بر «اهمیت تبادل علمی در امور خارجه» تعامل با خاورمیانه، شمال آفریقا و دیگر کشورهای مسلمان را اولویت اول در درک متقابل با کشورهای اسلامی دانست. وی افزود در گفت‌وگو با کاخ سفید به نتیجه و ایده «دیپلماسی آموزشی» رسیدیم. «آلن گودمن» رییس موسسه آموزشی بین‌المللی آمریکا (IEE) نیز در یک نشست خبری درباره سفر هیات دانشگاهی آمریکایی به ایران گفت: دیپلماسی آموزشی در خط مقدم احیا و عادی‌سازی روابط بین دو کشور است و غالباً از این دیپلماسی پیش از برقراری و عادی شدن رابطه سیاسی استفاده می‌شود. این همان راهی بود که پیش از عادی‌سازی روابط آمریکا با کشورهای چینی و ویتنام در گذشته انجام شده بود و

مؤسسه آموزشی بین‌المللی آمریکا هدایت این دیپلماسی آموزشی را در سال‌های گذشته در قبال کشورهای چو کوبا و میانمار بر عهده داشته است (www.irdiplomacy.ir).

از سوی دیگر کشورهای مختلف به‌طور فزاینده‌ای دانش‌آموزان و دانشجویان خود را برای تحصیل به آمریکا می‌فرستند و مایلند که آن‌ها در دانشگاه‌های بین‌المللی تحصیل کنند. همچنین برخی کشورها تمایل دارند که سیستم آموزشی خود را مانند سیستم آموزشی ایالات متحده شکل دهند. همه این موارد به هدف ما کمک می‌کند اما اولویت اول ما خاورمیانه و شمال آفریقا است. یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های وزارت امور خارجه منطقه خاورمیانه است و ما در درک متقابل با این منطقه مشکل داریم و ما به دنبال یافتن راه‌کارهایی هستیم که از برنامه‌های خود به مؤثرترین و راحت‌ترین شیوه در خاورمیانه استفاده کنیم. کورتس همچنین گفت که همگی ما به «دیپلماسی آموزشی» به‌عنوان راه‌حل بلندمدت سیاست خارجی معتقدیم. برنامه‌هایی برای آوردن دانشجویان و دانش‌پژوهان از کشورهایی با جمعیت بالای مسلمانان به ایالات متحده نیز تدارک دیده شده است (www.shafaqna.com).

یکی دیگر از این قبیل برنامه‌های مبادله، جذب و گزینش دانش‌آموزان تیزهوش و مستعد سال پایانی دبیرستان می‌باشد. این برنامه با هدف جذب بهترین دانش‌آموزان و اعزام آن‌ها برای ادامه تحصیل در مدارس آمریکا و زندگی با خانواده‌های آمریکایی در کوتاه‌مدت (یکسال) انجام می‌شود. در دانشگاه‌ها نیز از سوی شورای مبادلات و پژوهش‌های بین‌المللی موسوم به IREX از طریق کنکور بهترین‌ها را برای تحصیل در کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا بر می‌گزینند. این برنامه‌ها با عنوان «تبادل رهبران آینده» به اجرا در می‌آید و از سوی بخش ارتباطات آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه حمایت مالی می‌شود. (عابدینی، ۱۳۸۴)

شکل دیگری از برنامه‌های مبادله، ترغیب دانشجویان ایالات متحده جهت ادامه تحصیل در خارج از خاک این کشور در راستای شناخت و درک فرهنگ‌های دیگر می‌باشد. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه ایالات متحده، از دانشجویان آمریکایی خواست تا برای بهبود رویکرد جهانی آمریکا و گسترش دیپلماسی شهروندی این کشور به تحصیل در کشورهای مختلف جهان بپردازند. با توجه به میزان ثبت‌نام محصلان خارجی در دانشگاه‌های آمریکا- که به ترتیب کشورهای چین، هند و کره جنوبی در آن رتبه‌های نخست را دارند- وزیر سابق امور خارجه

آمریکا هیلاری کلینتون به دانشجویان آمریکایی توصیه کرده است تا از رویکرد این دانشجویان تبعیت کرده و برای تحصیل در دیگر کشورها به خارج بروند. بر اساس آمار وزارت خارجه آمریکا، تنها یک درصد دانشجویان آمریکایی برای تحصیلات عالی در خارج آمریکا مشغول به تحصیل هستند. همچنین تنها ۴ درصد جوانان آمریکایی بین سن ۱۸ الی ۲۴، دارای گذرنامه هستند. از همین رو، هیلاری کلینتون از دانشجویان آمریکایی خواسته است تا برای تحصیل گزینه‌های بین‌المللی را نیز مدنظر بگیرند. وی تصریح کرده است: «برای اینکه بتوانیم در این جهان همیشه در حال تغییر، از همگان پیشرو باشیم، باید طوری خودمان را به پیش ببریم که نه تنها نگرش جهانی داشته باشیم، بلکه به خارج رفته و در دیگر کشورهای نیز دست به تحصیل بزنیم. من از تمامی دانشجویان آمریکایی می‌خواهم تا به فکر گسترش نگرش جهانی خود از طریق تحصیل در دیگر کشورها باشند. امیدوارم مسئولین دانشگاه‌های آمریکا نیز از این اقدام و کسب تجربه در خارج حمایت کنند.» هیلاری کلینتون همچنین گفته است: «تحصیل در خارج می‌تواند یکی از بهترین تجربیات زندگی یک فرد جوان باشد. آن‌ها پس از بازگشت، دانش جدید، چشم‌انداز جدید و درک عمیق‌تری از جهان را با خود به همراه می‌آورند.»

(www.mashregnews.ir)

به گفته وزارت خارجه آمریکا، در حال حاضر ۶۰۴،۲۷۰ آمریکایی در مؤسسات آموزش عالی دیگر کشورها مشغول به تحصیل هستند که مهم‌ترین این کشورها عبارت‌اند از انگلیس، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و چین. همچنین میزان تقاضا برای تحصیل در کشورهای آفریقایی و خاورمیانه نیز رو به افزایش است. مگان کورتیس، معاون وزیر خارجه آمریکا در بخش تبادلات آکادمی، نیز در مصاحبه‌ای با سی‌ان‌ان از تعداد دانشجویان آمریکایی در خارج از کشور ابراز ناخرسندی کرده و گفته است: «یک درصد کافی نیست. بنا به دلایل ژئوپولوتیکی، ما باید به فکر تحصیل در خارج و در تمامی نقاط جهان باشیم، و نه فقط در اروپای غربی.» وی افزوده است: «داشتن یک برنامه تحصیلات خارجی، چه به صورت کوتاه‌مدت و چه بلندمدت، حیاتی است، به‌ویژه در این جهان همیشه در حال تغییری که ما در آن زندگی می‌کنیم. نمی‌توانیم تنها با اتکا به یادگیری جهان از پشت میزهای خود و یا در مؤسسات داخلی خود در آمریکا، تصویر کاملی از جهان به دست آوریم. مسئله تنها جهانی‌شدن نیست، بلکه رقابت است. چنانچه پا به دنیای بیرون

نگذاریم نمی‌توانیم به رقابت خود ادامه دهیم.» این رویکرد بخشی از دیپلماسی شهروندی آمریکا محسوب می‌شود که شهروندان و دانشجویان آمریکایی به عنوان دیپلمات‌های عمومی تلاش می‌کنند افراد سایر کشورها را سبک زندگی آمریکایی علاقمند کنند (www.century21.blogfa.com).

۴. دیپلماسی آکادمیک آمریکا؛ مطالعه موردی ایران

زمانی که باراک اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا نخستین بار برای گفتگو با ملت ایران در نوروز ۱۳۸۸ با گفتن «عید شما مبارک» زبان فارسی را به کار گرفت نشانه‌ای از به‌کارگیری ابزار دیپلماسی فرهنگی جهت ارتباط با مردم ایران بود. در سال ۲۰۰۶ جرج بوش با حضور در دانشگاه اطلاعات ملی، فراگیران آن مجموعه را تشویق به یادگیری زبان فارسی کرده بود؛ و این در حالی است که سابقه فارسی‌آموزی آمریکایی‌ها به دوره پهلوی دوم و دکترین ترومن و حضور «سپاهیان صلح» آمریکا در ایران از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۷ باز می‌گردد. برنامه‌های تبادل دانشگاهی، اعزام «سپاهیان صلح» و حضور مستقیم دیپلمات‌ها از پایه‌های تقویت «روابط مردم با مردم» آمریکا بود. در عین حال برخی بر این باورند که ایالات متحده هیچ‌گاه همانند دول استعمارگر دیگر مانند انگلیس و روسیه حضور مستقیم در ایران نداشته، اما با این وجود با سعی در گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های خود در سایر کشورها و با ابزار گوناگون به دنبال همان چیزی است که در سخنان رهبری انقلاب اسلامی از آن به‌عنوان «استعمار فرانو» یاد شده است (www.fararu.com).

با پیروزی انقلاب اسلامی از میزان این نوع روابط بشدت کاسته شده و صرفاً برنامه تبادل محدود دانشگاهی بین ایران و ایالات متحده آن‌هم از مجاری غیررسمی و بعضاً انفرادی باقیمانده است. زبان فارسی به همراه زبان‌های عربی، روسی، چینی، هندی، اردو و کره‌ای برای ایالات متحده به‌عنوان زبان‌های استراتژیک مطرح هستند که از آغاز دهه ۱۹۸۰ بودجه خاصی برای آموزش آن‌ها با عنوان «قانون شش» تخصیص یافته است. ریچارد نلسون فرای ایران‌شناس آمریکایی در مصاحبه‌ای با CNN گفته بود که همواره در تمام منطقه آسیا و اروپا دو فرهنگ و تمدن بزرگ حضور داشته است؛ یکی در چین و دیگری در ایران. پیش‌تر مطالعه

خاورمیانه از نگاه دانشگاهیان آمریکا در چهار حوزه فرهنگی: عربی، فارسی، عبری و ترکی صورت می‌گرفت که تداوم سنت «شرق‌شناسی» اروپا بود. گفتمان غالب در شرق‌شناسی مطالعه آداب و رسوم کهن و ادبیات باستانی بود، اما رفته رفته بررسی ساختار سیاسی و ایدئولوژی حاکم و ادبیات سیاسی نیز به این حوزه وارد شده است (www.fararu.com).

احمد کریمی حکاک، مدیر مرکز مطالعات فارسی دانشگاه مرلیند، معتقد است که حضور ایالات متحده به‌عنوان ابرقدرت پس از جنگ جهانی دوم باعث پیدایش مطالعات ایران گشت. بنا بر آمار انجمن زبان نوین پس از بررسی ۲۸۰۰ مرکز آموزش عالی در آمریکا از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ حجم ثبت‌نام برای فارسی آموزی ۹۰٪ (از ۱۳۰۰ نفر به حدود ۲۳۰۰ نفر) افزایش یافته است که می‌توان آن را در جایگاه دوم پس از عربی با ۱۲۶٫۵٪ افزایش قرار داد؛ و این در حالی است که در طول دوره مشابه رشد زبان چینی ۵۱٪ بوده است (www.irdiplomacy.ir).

با این وجود در زمینه تقویت نفوذ دیپلماسی عمومی ایالات متحده در دیدگاه مردم ایران رفته رفته ظهور برنامه‌هایی به زبان فارسی رو به گسترش است. که در همین راستا و در چارچوب دیپلماسی عمومی با رویکرد «دولت با مردم» در اواخر دولت بوش و انتصاب گلی عامری به‌عنوان مدیرکل آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا وب‌سایتی دوزبانه فارسی-انگلیسی تحت نام «آموزش آمریکا ایران» راه‌اندازی و اقدام به اطلاع‌رسانی جامع و عمومی در راستای مهاجرت تحصیلی نخبگان به آمریکا کرد؛ و این علاوه بر نسخه فارسی وب‌سایت رسمی وزارت خارجه آمریکا با عنوان پل اطلاعاتی آمریکا-ایران www.usinfo.state.gov است که اخیراً با ظاهری جدیدتر و تعاملی‌تر (و حرکت به سمت رویکرد «مردم با دولت») با عنوان داستان آمریکا با آدرسی جدید www.america.gov ادامه مأموریت می‌دهد (www.irdiplomacy.ir).

الف. مبادلات آموزشی

با وجود روابط فعلی ایران و آمریکا، دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا برای جوانان ایرانی جذابیت دارد. ایران از جمله کشورهایی است که بیشترین دانشجویان را به آمریکا اعزام می‌کند. نتایج بررسی مشترک موسسه آموزش بین‌المللی و موسسه آموزشی و فرهنگی آمریکا، وابسته به وزارت آموزش ایالات متحده، نشان می‌دهد، در سال ۲۰۱۳ بیش از ۱۰ تا ۱۶ هزار دانشجوی

ایرانی در این کشور مشغول به تحصیل بودند. اما نکته حائز اهمیت، افزایش تعداد دانشجویان ایرانی در سال ۲۰۱۳ است. به طوری که، تعداد دانشجویان ایرانی در این کشور، در مقایسه با سال تحصیلی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲، بیش از ۲۵ درصد افزایش یافته است. رقمی که ایران را در کنار کشورهای عربستان سعودی با ۳۱ درصد افزایش، کویت با ۳۷ درصد افزایش، چین با ۲۱ درصد افزایش و برزیل با ۲۰ درصد افزایش، در ردیف کشورهای قرار می‌دهد که در سال ۲۰۱۳ بیشترین افزایش میزان دانشجو در این کشور را داشته‌اند. اما در مجموع، کشورهای چین با ۲۹ درصد، هند با ۱۲ درصد، کره جنوبی با ۹ درصد، عربستان سعودی با پنج درصد و کانادا با سه درصد بیشترین سهم از دانشجویان خارجی در این کشور را دارند و سهم باقی ۴۲ درصد است. سیاست «درهای باز» آمریکا برای جذب دانشجویان خارجی، وضعیت آموزش عالی این کشور را به جایی رسانده که در سال ۲۰۱۳ بیش از ۸۱۹ هزار و ۹۴۴ دانشجوی خارجی در آمریکا مشغول به تحصیل هستند (www.tabnak.ir).

در سال تحصیلی ۲۰۱۴/۲۰۱۵ نیز تعداد دانشجویان ایرانی در دانشگاه های آمریکا به رقم ۱۱۳۳۸ نفر رسید که در مقایسه با سال تحصیلی قبل بیش از ۱۱ درصد رشد را نشان می‌دهد (www.iie.org)

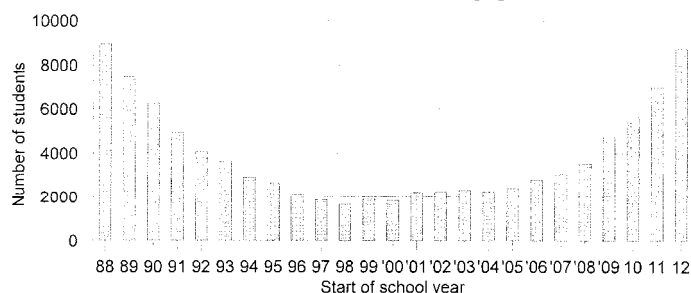
تعداد دانشجویان کشورهای خاورمیانه در ایالات متحده آمریکا

Country of Origin	2014/13	2012/13	% Change
Saudi Arabia	53,919	44,566	+21%
Iran	10,194	8,744	+17%
Kuwait	7,288	5,115	+43%
United Arab Emirates	2,784	2,256	+23%
Israel	2,457	2,430	+1%
Jordan	2,148	2,109	+2%
Iraq	1,491	1,074	+39%
Oman	1,504	980	+54%
Lebanon	1,367	1,266	+8%
Qatar	1,191	994	+20%
Syria	693	505	+37%
Bahrain	467	459	+2%
Yemen	440	353	+25%
Palestinian Territories	429	319	+35%
Total	86,372	71,170	+21%

Based on data from Open Doors 2014, IIE

در میان کشورهای خاورمیانه تنها عربستان سعودی تعداد دانشجویانی بیش از این رقم در آمریکا دارد. این در حالی است که دانشجویان ایرانی برای اخذ روادید باید فرایند سختی را گذرانده و به یک کشور ثالث سفر کنند. فرایند تاثیرگذاری فرهنگی به شکلی بوده است که ۸۹٪ دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در آمریکا تمایل به ماندن در این کشور پس از فارغ التحصیلی را داشته‌اند (www.washingtoninstitute.org).

Iranian students in US



بر همین اساس برنامه آموزشی ایالات متحده تلاش بسیاری برای جذب دانشجو از سراسر دنیا به آمریکا انجام می‌دهد. به نظر می‌رسد این قبیل اقدامات محور اصلی مفهوم قدرت نرم مدنظر جوزف نای است که به اهداف خود بدون جنگ و از طریق جاذبه خواهد رسید. دولت آمریکا در پی آن است تا با گسترش برنامه‌های فرهنگی و دیپلماسی خود با مخاطبین جوان ارتباط برقرار کرده و پلی با رهبران آینده ایران بسازد (www.mashreghnews.ir). این کشش در میان برخی از دانشگاهیان ایالات متحده نیز دیده می‌شود. در اعتراض به درخواست برای تحریم‌های علمی و آکادمیک ایران از سوی برخی از محافل دانشگاهی ایالات متحده، برخی دیگر از اساتید دانشگاه‌های این کشور خواهان پی گیری دیپلماسی آکادمیک با ایران شده‌اند. «ویلیام برکه وایت» استادیار دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا و مدیر پروژه امنیت ملی ترومن و «ویلیام کولکر» معاون آموزشی و برنامه‌های بین‌المللی این دانشکده در گزارشی که در این باره در روزنامه هیوستون کرونیکل به رشته تحریر در آورده‌اند نوشته‌اند: «برخی از دانشگاهیان آمریکایی خواهان بایکوت مبادلات دانشگاهی با ایران تا آزادی برخی از اتباع آمریکایی بازداشت

شده در این کشور هستند، اما چنین تحریمی نفوذ آمریکا را در ایران کاهش خواهد داد.» این دو که اخیراً به ایران سفر کرده‌اند در ادامه می‌نویسند: بهترین چشم‌انداز برای بهبود و حل مشکلات آمریکا با ایران جوانان هستند که احتمالاً وارث قدرت در آینده خواهند بود و امروزه از فرصتی مهم برای نفوذ بر آن‌ها برخوردار هستیم (www.mehrnews.com). گروه دیگری از دانشگاهیان آمریکایی که در خرداد ماه ۹۴ به ایران سفر نموده بودند با اشاره به استقبال اساتید و دانشجویان ایرانی اذعان داشتند ایرانی‌ها و دولت ایران مشتاق‌اند همکاری‌های علمی و دانشگاهی کشورشان با آمریکا توسعه یابد اما مشکل اصلی در این رابطه محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت آمریکا است. کن هالند رییس مرکز توسعه بین‌المللی دانشگاه دولتی بال (BSU) در این سفر بیان داشت: در طی بازدید از ایران متوجه شدم هیچ دانشجوی آمریکایی در دانشگاه‌های ایران تحصیل نمی‌کند در حالی که ایرانی‌ها مایل‌اند امکان تبادل دانشجو و استاد بین دانشگاه‌های دو کشور برقرار باشد (www.irdiplomacy.ir). هالند گفت حسن روحانی رییس جمهوری ایران در نخستین حضور و سخنرانی خود در مجمع عمومی ملل متحد در سال ۲۰۱۳ از عادی‌سازی روابط با آمریکا استقبال کرد و گفت یکی از روش‌های مقدماتی در این راه همکاری‌های آموزشی و دانشگاهی و تبادل اساتید و هیئت‌علمی و دانشجویان است. او افزود اشتیاق زیادی در طرف ایرانی برای توسعه همکاری‌های آموزشی و علمی با دانشگاه‌های آمریکا از جمله توسعه بورس‌های تحصیلی و فرصت‌های مطالعاتی بین دانشگاه‌های دو کشور دیده می‌شود (www.asriran.com).

برکھوایت و کولکر برای این امر راه‌کاری را ارائه می‌دهند که آن تحصیل جوانان ایرانی در آمریکا است و به ادعای آن‌ها این امر به جوانان ایرانی مهارت‌های لازم را برای بازگرداندن کشورشان به دموکراسی می‌دهد و این گروه بر این باورند که محروم کردن تهران از این فرصت مشکلاتی را برای واشنگتن سبب خواهد شد. آن‌ها در ادامه گزارش خود به موفقیت دیپلماسی آمریکا در زمان جنگ سرد در برابر شوروی اشاره می‌کنند و می‌گویند، آمریکا نیاز به تماس افراد با افراد در ایران دارد و اگر چنین کاری از سوی ایالات متحده انجام نشود دشمنان بالقوه آمریکا در این مسیر گام بر خواهند داشت. آن‌ها می‌نویسند: در شرایط کنونی زمانی که روابط دولت‌ها به نظر می‌رسد که متوقف شده، گذر جوامع مدنی دو کشور از مرزهای همدیگر می‌تواند مفید

باشد و تا زمانی که پنجره چنین تماس‌های باز باشد آمریکا حتی از یک روزنه نیمه باز هم می‌تواند از فرصت‌ها استفاده کند (www.mehrnews.com).

برای دستیابی به این‌گونه تعاملات، نیاز به آموزش دانشگاهی زبان فارسی در آمریکا برای نسل‌های جدید ایرانی-آمریکایی و حتی سایر علاقه‌مندان، احساس می‌شود که در همین راستا برنامه‌های دانشگاهی آموزش فارسی و رشته‌های ایران‌شناسی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی زیر تأسیس گشته است: دانشگاه مریلند (مطالعات فارسی)، دانشگاه UCLA (مطالعات ایران)، دانشگاه آریزونا (مطالعات فارسی و ایرانی)، دانشگاه کلمبیا (مرکز مطالعات ایران)، دانشنامه ایرانیکا دانشگاه کالیفرنیا (مرکز مطالعات فارسی و فرهنگ)، دانشگاه تگزاس (مطالعات فارسی)، دانشگاه واشنگتن (برنامه مطالعات فارسی و ایرانی)، دانشگاه هاروارد (مطالعات فارسی و ایرانی)، دانشگاه هاروارد (پروژه تاریخ شفاهی ایران)، موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، (پروژه پارس/ایران) دانشگاه استنفورد (مطالعات ایرانی) (www.fararu.com).

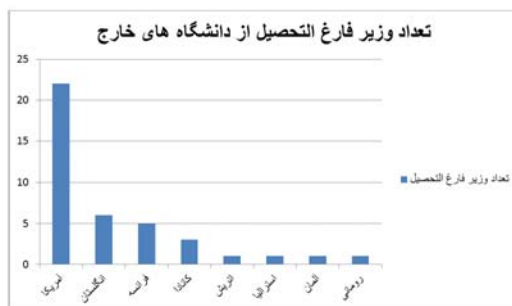
بر همین اساس سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی در امر آموزش زبان فارسی (ترجیحاً آکادمیک) در خارج از کشور با استفاده از ابزارهای نوین و موجود مانند: همکاری‌های دانشگاهی در خصوص ایجاد کرسی زبان فارسی، ارائه بورس و فرصت‌های مطالعاتی به اساتید و دانشجویان زبان فارسی، شبکه‌های تلویزیونی جام جم، پرس تی وی، سحر و همین‌طور ایجاد و بسط وب سایت‌هایی در این خصوص در کنار برنامه‌های همسو می‌تواند این روند را به فرصتی برای جمهوری اسلامی تبدیل نماید (www.fararu.com).

ب. تأسیس شعب دانشگاهی

۱) صدور آموزش عالی آمریکا

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی فرهنگی آمریکا در منطقه، مبحث آموزش است. به‌عنوان نمونه در مواجهه با جهان اسلام دولت آمریکا معتقد است که اصلاح تفکر و شیوه نگرش مسلمانان و مخصوصاً نسل جوان منطقه نسبت به غرب در کاهش موج آمریکاستیزی و گرایش هر چه بیشتر به اهداف و منافع آمریکا در منطقه بسیار مؤثر می‌باشد. در گزارش کمیته مشورتی دیپلماسی عمومی وزارت خارجه آمریکا که در اکتبر ۲۰۰۳ به کنگره آن کشور ارائه شد، اعضای این کمیته معتقد بودند که سرمایه‌گذاری در امر آموزش مردم منطقه و به‌خصوص

جوانان از طرق گوناگون، از جمله توسعه و گسترش شعب دانشگاه‌های آمریکایی در منطقه، به ایجاد نگرش مثبت نسبت به آمریکا در منطقه کمک زیادی می‌کند دانشگاه‌های آمریکایی که به‌طور مستقیم در کشورهای منطقه تأسیس شده و یا شعبی از دانشگاه‌های مبدأ به شمار می‌روند، همانند دانشگاه آمریکایی لبنان، دانشگاه آمریکایی قاهره، دانشگاه‌های آمریکایی حوزه کشورهای خلیج فارس مانند قطر، امارات، بحرین و کویت، نقش مهمی را در امر آموزش و ارائه الگوی سبک زندگی، فرهنگ و جامعه آمریکا در منطقه ایفا می‌نمایند. از آنجا که اقبال به این دانشگاه‌ها در سطح منطقه زیاد می‌باشد، برای مثال دانشگاه‌های آمریکایی لبنان و مصر در سال ۲۰۰۳ حدود ۶۰۰۰ هزار دانشجو داشته‌اند، از ابزارهای مهم دیپلماسی فرهنگی آمریکا در منطقه به شمار می‌روند. این قبیل برنامه‌های آموزشی تأثیر بسیار زیادی برای آمریکا داشته است. بسیاری از رهبران و مقامات کشورهای جهان اسلام در دانشگاه‌های آمریکایی تحصیل کرده‌اند. در همین زمینه کمیته مشورتی دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه آمریکا اشاره می‌کند که ۸۰ درصد اعضای کابینه عربستان سعودی، مدرک دکتری و یا کارشناسی ارشد آمریکایی دارند و دو زن که سابقاً در منطقه نخست‌وزیر بوده‌اند نیز این‌گونه اند (www.esteva.ir). در مورد ایران نیز، بیشتر وزیران جمهوری اسلامی که در خارج از کشور ادامه‌ی تحصیل داده‌اند، دانشگاه‌های آمریکا را به‌عنوان مقصد خود انتخاب کرده‌اند به‌طوری که ۲۲ نفر از میان ۴۰ وزیری که فارغ‌التحصیل خارج از کشور بوده‌اند، در دانشگاه‌های آمریکا درس خوانده‌اند. بعد از ایالت متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه هرکدام با ۶ و ۵ وزیر فارغ‌التحصیل بیشترین آمارها را دارند و پس از این دو، دانشگاه‌های کشورهای کانادا، اتریش، استرالیا، آلمان و رومانی نیز تعدادی فارغ‌التحصیل را روانه ایران کرد که بعداً به‌عنوان وزیر شناخته شدند (www.imna.ir).



منبع: خبرگزاری ایما <http://www.imna.ir/fa/doc/report/130526>

اخیراً تعدادی از دانشگاه‌های صاحب‌نام آمریکایی در کشورهای مختلف اقدام به تأسیس شعبات رسمی نموده‌اند تا بلکه منبع درآمدی و حرکتی به‌سوی سرمایه‌گذاری‌های جدید برای این مؤسسات باشد. از این نمونه می‌توان به دانشگاه‌های زیر اشاره کرد:

دوبی: دانشگاه مونتانا، دانشگاه ایالتی میشیگان و مؤسسه فناوری روچستر؛

قطر: کالج پزشکی ویل کرنل در قطر، دانشگاه تگزاس، دانشگاه جرج تاون، دانشگاه نورث وسترن، دانشگاه کامن ولث ویرجینیا و دانشگاه کارنگی ملون،

چین و مکزیک: دانشگاه اینکارنت ورد؛

ابوظبی: دانشگاه نیویورک؛

چین، هند، سنگاپور، آفریقای جنوبی، ایتالیا و فرانسه: مؤسسه فناوری جرجیا؛

رأس الخیمه: دانشگاه جرج میسون؛

اسرائیل و سنگاپور: دانشگاه نیویورک؛

کرواسی و کورزوو: مؤسسه فناوری روچستر و دانشگاه آمریکن؛

عربستان سعودی: دانشگاه علم و صنعت ملک عبدالله در ساخت و الگوبرداری آموزشی خود از کمک‌های دانشگاه استنفورد، دانشگاه برکلی و دانشگاه تگزاس در استین استفاده کرده است؛ این مناسبات دانشگاهی را می‌توان در ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز مشاهده نمود. به‌عنوان نمونه، در سال ۱۳۴۵ دانشگاه پهلوی شیراز-نخستین دانشگاه مشترک آمریکا و ایران- تأسیس می‌شود که در واقع می‌توان گفت دانشگاه پهلوی، شعبه‌ای از دانشگاه پنسیلوانیا بوده است. چرا که نظام درسی، واحدهای درسی، کتب، استادان مدعو، همه از آن دانشگاه تدارک دیده می‌شد؛ و نیز تأسیس مرکز مطالعات مدیریت ایران-نخستین شعبه دانشگاه هاروارد- از اقدامات بعدی بود که صورت گرفت. می‌توان گفت این دانشگاه فقط از لحاظ مکانی و جغرافیایی در ایران بوده است، اما در بقیه موارد از قبیل نظام درسی، آموزشی، اداری و سرمایه و مدرک، تمام‌عیار مرتبط با خارج بود (شرف زاده، ۱۳۸۳: ۹۷).

صدور آموزش عالی یکی از اهداف مهم دیپلماسی علمی و فرهنگی محسوب می‌شود (www.wikipedia.com). از دیگر مناطقی که همکاری‌های علمی-آموزش و دانشگاهی ایالات متحده آمریکا در آن دیده می‌شود، آسیای مرکزی می‌باشد. راه‌اندازی و تأسیس مراکز تحصیلی

و دانشگاه‌های مشترک از قبیل دانشگاه قرقیز- آمریکا در بیشکک، دانشگاه قزاق- آمریکا در آلماتی، مرکز تحصیلی آمریکا-آذربایجان در باکو و تجهیز کتابخانه‌های مهم این کشورها به وسایل کمک‌آموزشی؛ مانند دانشگاه آبیلاخان در قزاقستان جهت تبادل و انتقال سریع کتاب و ... می‌باشد (عابدینی، ۱۳۸۴).

بررسی جالبی در رابطه با دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشگاه آمریکایی قاهره- هردو غیردولتی- نشان می‌دهد که هر دو این دانشگاه‌ها، به‌رغم شرایط متلاطم جوامع میزبان، در عین حال که در پیشبرد اهداف اجتماعی لیبرال و سکولار خود و نیز آموزش خصوصی، موفق بوده‌اند، در وجوه ناخوشایند سیاست خارجی آمریکا سهمی نداشته‌اند (نای، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

۲) برگزاری کنفرانس‌های علمی و اعطای مدرک

کنفرانس‌های علمی یکی از شیوه‌های ارائه جایگاه علمی شرکت‌کنندگان و به تبع آن کشور متبوع آنان است. حضور محققین، پژوهشگران و دانشگاهیان یک کشور در سمینارها، همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی بین‌المللی و نیز میزبانی این‌گونه برنامه‌ها در داخل و دعوت از دانشگاهیان و پژوهشگران خارجی، زمینه‌ساز گفت‌وگو و تعامل رو در رو میان قشر فرهیخته و تأثیرگذار کشور میزبان و میهمان خواهد شد و این فضا به رفع سوء تفاهمات و سوءبرداشت‌های غیرواقعی دو طرف منجر خواهد شد. ایالات متحده آمریکا در زمره کشورهایی است که بیشترین کنفرانس‌های علمی را میزبانی می‌کند و سالانه هزاران نفر از اقشار تحصیل کرده جهت شرکت در این برنامه‌ها به آمریکا سفر می‌کنند. آنچه حائز اهمیت است زمان‌های اضافی است که قبل یا پس از برگزاری این‌گونه کنفرانس‌ها برای شرکت‌کنندگان در نظر می‌گیرند. در این زمان‌ها برنامه‌های جانبی چون بازدید از اماکن تاریخی و جاذبه‌های گردشگری کشور میزبان، دیدار با فرهیختگان و شخصیت‌های مشهور و ... جهت شناخت فرهنگی و زدودن تصویر نادرست از کشور میزبان تدارک دیده می‌شود.

همچنین در مورد بازدیدهای مقامات بلندپایه، دیدار با دانشگاهیان و اعطای درجه و نشان افتخاری توسط آن دانشگاه در افزایش قدرت نرم کشور میزبان حائز اهمیت است. یکی از ضمایم برنامه‌های دیدار سران دولت‌ها، اعطای یک مدرک تحصیلی افتخاری از سوی یکی از دانشگاه‌های آمریکایی است؛ اگرچه این امر به‌طور کلی خارج از کانال‌های وزارت امور خارجه سازمان‌دهی می‌شود. برای مثال رییس‌جمهور کره جنوبی «رو» در حاشیه دیدار خود از آمریکا،

چنین مدرکی را از دانشگاه جرج واشنگتن (GWU) دریافت کرد. موردی که در آن نمایش عمومی حداقلی در ایالات متحده ارائه می‌شد و تصویری حداکثری از وجهه بین‌المللی در داخل کشور عرضه می‌گشت. اعطای مدرک از سوی دانشگاه جرج واشنگتن به‌ویژه برای رییس‌جمهور ارزشی خاص داشت چرا که این دانشگاه در کره به‌عنوان دانشگاهی معتبر شناخته می‌شد. این مسئله به میزان زیادی ناشی از این واقعیت است که اولین رییس‌جمهور کره-سینگمان رهی-در دانشگاه جرج واشنگتن تحصیل کرده و برای بسیاری از رهبران تجاری کره امروزه از این دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند. بنابراین اعطای مدرک افتخاری از سوی دانشگاه جرج واشنگتن ارزشی خاص در ذهنیت کره‌ای‌ها داشته است (مانهایم، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

۳) دیپلماسی علمی

بخشی از دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان همکاری‌های علمی تعریف می‌شود که در آن روابط مثبت علمی با شرکت‌ها و جوامع خارجی است. دو دولت اخیر ایالات متحده علاقه زیادی نسبت به توسعه برنامه‌های جدید در راستای این قبیل همکاری از خود نشان داده‌اند. تنظیم برنامه‌های دیپلماسی علمی باوجود تنش‌های فعلی ایران و آمریکا دشوار است. بااین‌حال از آنجایی که علم یک‌زبان جهانی است، دیپلماسی علمی می‌تواند راهی برای اثرگذاری مثبت و افزایش گفت‌وگو باشد. در سال ۲۰۰۹ دولت اوباما صندوق علمی و فن‌آوری را به‌منظور افزایش مشارکت با کشورهای با اکثریت مسلمان ایجاد کرد. برنامه‌های علمی آمریکا تاکنون دانشمندان را به بیش از ۲۰ کشور اعزام داشته که ایران در این فهرست نیست. چنین اقداماتی دیپلماسی علمی را تبدیل به یک مسئله مهم در امر سیاست‌گذاری خارجی دانسته‌اند. باوجود دشواری‌های پیش‌رو همکاری‌های علمی میان ایالات متحده و ایران در طی دو دهه گذشته افزایش داشته است. انجمن آمریکایی توسعه علم (AAAS) نقش مهمی در این میان ایفا کرده است. آکادمی ملی علوم، موسسه ملی سلامت نیز با همکاری وزارت خارجه چندین پروژه را اجرا نموده‌اند. اغلب آن‌ها بر بخش سلامت تمرکز دارند. بخشی که ایرانی‌ها سابقه طولانی در تحقیقات خصوصاً در حوزه بیومدیسین، علوم اعصاب و پزشکی از راه دور دارند. برنامه‌های کوتاه‌مدت مبادلاتی میان دانشمندان ایرانی و آمریکایی نیز وجود دارد. اما یک استراتژی کلان که مؤسسات مختلف این حوزه را به یکدیگر مرتبط سازد وجود ندارد (www.mashreghnews.ir).

نتیجه‌گیری

امروزه اهمیت دیپلماسی فرهنگی و استفاده از ظرفیت‌های آن بویژه آموزش عالی بر کسی پوشیده نیست. ایالات متحده آمریکا مهمترین کشور جهان است که بخوبی توانسته است از این ظرفیت در دیپلماسی فرهنگی و افزایش قدرت نرم خود بهره فراوان بگیرد. به عقیده جوزف نای؛ "گسترده‌ترین میدان یا عرصه دیپلماسی عمومی و فرهنگی، توسعه مناسبات پایدار با عناصری کلیدی است - طی سال‌ها یا حتی دهه‌ها، از طریق بورس‌ها، تبادلات دانشجویی، برنامه‌های آموزشی، سمینارها، کنفرانس‌ها و مجاری رسانه‌ای. حدود ۷۰۰/۰۰۰ نفر طی سالیان دراز در تبادلات فرهنگی و علمی آمریکا حضور داشته‌اند - تبادلاتی که به آموزش رهبرانی جهانی چون انور سادات، هلموت اشمیت و مارگارت تاچر کمک کرده است" (نای، ۱۳۹۲: ۱۵۰). این کشور از طریق برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی مانند تبادلات دانشجویی و بورسیه‌های تحصیلی، پروژه‌های بین‌المللی آموزشی برای دیدارکنندگان خارجی، برنامه‌های سخنرانی، بازدیدهای ترتیب داده شده برای خبرنگاران، توسعه زبان انگلیسی و... در حال انتقال ارزش‌ها و اصول اخلاقی‌اش است (www.state.gov). در این زمینه، ایالات متحده آمریکا، دو مزیت اصلی دارد؛ یکی زبان انگلیسی و دیگری کیفیت نظام آموزش عالی. تازه‌ترین آمار «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد» (یونسکو) از تعداد دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های دنیا حاکی از آن است که این کشور، مقصد اصلی دانشجویان جهان به شمار می‌رود (www.uis.unesco.org). این کشور برای پیشبرد دیپلماسی عمومی، فرهنگی و رسانه‌ای خود مبادرت به یک رشته نهادسازی، تصویب قوانین و برنامه‌ها برای اقدامات معطوف به ارتباطات و اطلاع رسانی، آموزش، توجیه و تفاهم و مبادلات فرهنگی و علمی دست زده است که سابقه و حرکت نخستین همه آنها به شکل جدید و نهادینه به ۷۵ سال پیش باز می‌گردد. در طی این سالها (از ۱۹۴۰ تا ۲۰۱۵ میلادی) نهادهایی نظیر اداره اطلاعات جنگ، آژانس اطلاعات آمریکا، آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا، اداره روابط آموزشی و فرهنگی، اداره اطلاعات بین‌المللی و امور فرهنگی، اداره اطلاعات بین‌المللی و مبادله آموزشی، برنامه بین‌المللی دیدار کننده، شورای دیدار کنندگان بین‌المللی، شورای دیپلماسی آمریکا و خدمات اطلاعات ایالات متحده تاسیس شدند. برخی از آنها در هم ادغام شدند، نهادی دیگر شکل گرفت یا تغییر نام یافتند و در هر صورت ماموریت

اصلی را «پیشبرد فهم بهتر از ایالات متحده در دیگر کشورها و افزایش درک متقابل... و نفوذ در مخاطبان خارجی» دنبال کردند (خرازی محمودوندی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

برنامه‌های آموزشی و همچنین برنامه‌های تبادل فرهنگی که میان آمریکا و سایر کشورها جریان دارد، در جذب سیل عظیمی از نخبگان و هیئت حاکمه کشورهای گوناگون، برای شرکت در این برنامه‌ها و برنامه‌های آشنایی با شیوه و سبک زندگی آمریکائیان مؤثر بوده است (www.farsnews.com). تبادلات جاری در حوزه‌های دانشجویی و ریاستی اثر مستقیمی بر سیاست‌گذاران جهان دارد. چهل و شش نفر از روسای کنونی و ۱۶۵ نفر از روسای سابق دولت‌ها تحصیلات عالی خود را در دانشگاه‌های آمریکا گذرانده‌اند. البته همه تقریباً ۷۵۰/۰۰۰ دانشجوی خارجی که سالانه به آمریکا می‌آیند، جذب کشورشان نمی‌شوند، اما اکثریت عمده‌ای از آن‌ها راه بازگشت را در پیش می‌گیرند. بنابر تحقیق انجام شده، این دانشجویان در شرایطی به کشورشان باز می‌گردند که نگاهشان به کشور محل تحصیل و مردمی که با آنان تعامل داشته‌اند، مثبت است. در عین حال احتمال اینکه دانشجویانی دانش‌آموخته کشورهای دموکراتیک، مروج دموکراسی در کشور خودشان باشند نیز بالاتر است. چنین برنامه‌هایی آثاری مفید و تشدید شوند با نتایجی شگرف بر شرکای غیرمستقیم آن‌ها دارند. برای مثال، پیشبرد سیاست‌های پرسترویکا^۱ و گلاسنوست^۲ از سوی میخائیل گورباچوف ریشه در افکار الکساندر یاکوولف^۳ داشت که پیش‌تر در آمریکا آموخته بود. با همه دلایل متفاوت پایان جنگ سرد، نخبگانی از اتحاد شوروی سابق نیز فراوان بر تأثیر تعامل اندیشه‌ها بر سقوط اقتصادی این کشور گواهی دادند (نای؛ ۱۳۹۲، ۱۳۸). بر همین اساس ایالات متحده از طریق دیپلماسی آکادمیک تلاش زیادی برای جذب دانشجو از سراسر دنیا به آمریکا انجام می‌دهد. این شکل از اقدامات دال مرکزی مفهوم قدرت نرم مورد نظر جوزف نای است که اهداف خود را بدون جنگ و از طریق جاذبه دنبال می‌کند. دولت ایالات متحده به دنبال آن است تا با گسترش برنامه‌های فرهنگی و دیپلماسی آکادمیک خود با مخاطبین جوان ارتباط برقرار کرده و پلی با رهبران آینده کشورها بویژه ایران ایجاد نماید.

^۱. Perestroika

^۲. Glasnost

^۳. Alexander Yakovlev

_____ نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا: با... ◇

این شیوه می‌تواند بعنوان تجربه ای توسط جمهوری اسلامی ایران نیز به کار گرفته شود. نظام آموزش عالی ایران به کمک پیشینه غنی فرهنگی و علمی خود می‌تواند در صورت فراهم نمودن ملزومات دیپلماسی آکادمیک، بر قدرت نرم کشور و بهبود چهره جمهوری اسلامی ایران بیافزاید.

منابع فارسی

- شرفزاده بدر، محمد (۱۳۸۳)، *انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- احدی، افسانه (۱۳۸۷)، *دیپلماسی عمومی آمریکا*، تهران: پژوهشنامه سیاست خارجی آمریکا.
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۳)، «فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام*، شماره ۲۱، بهار.
- امینی، آرمین (۱۳۹۱)، «جهانی‌شدن فرهنگ و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۶۵، زمستان.
- حقیقی، رضا (۱۳۸۸)، «دیپلماسی فرهنگی از دریچه نو اشاعه گرایی: تأثیر فناوری اطلاعات بر دیپلماسی فرهنگی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۲، تابستان.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، *فصلنامه دانش سیاسی*، دوره ۱، شماره ۲، زمستان.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷)، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۱، بهار.
- خرازی‌محمودندی‌آذر، زهرا (۱۳۸۸)، «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها»، *مجله مدیریت فرهنگی*، شماره ششم، زمستان.
- داد درویش، رضا (۱۳۸۴)، *کتاب آمریکا؛ ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا*، تهران: موسسه ابرار معاصر.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عابدینی، محمدحسین (۱۳۸۴)، «فعالیت‌های فرهنگی دولت‌های خارجی در آسیای مرکزی»، *ماهنامه ایراس*، شماره ۴، پاییز.
- قدیمی، اکرم (۱۳۹۲)، *مطالعه و بررسی تطبیقی نقش دیپلماسی علم و فناوری در کشورهای جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، پاکستان، ترکیه، ژاپن، کوبا، مالزی، هند*،

_____ نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا: با... ◇

تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

- مانهایم، یارول بی (۱۳۹۰)، *دیپلماسی عمومی راهبردی و سیاست خارجی آمریکا: گسترش نفوذ*، ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۹)، *دیپلماسی در جهان در حال تحول*، تهران: وزارت امور خارجه.

- یاسوشی، واتانامه، دیوید ال. مک کانل (۱۳۸۹)، *آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده آمریکا*، ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- عبدالله، عبدالمطلب و محمدصادق بیگلری (۱۳۸۹)، جایگاه دیپلماسی فرهنگی - ارتباطی در سیاست خارجی ایالات متحده: برنامه‌ها و برنامه ریزان؛ *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۱۳.

- عزیزی بساطی، مصطفی (۱۳۹۱)، *دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- هنری باتر، فیلدرايان (۱۳۹۲)، بخش رایزنی فرهنگی در آمریکا کجاست و چه می‌کند؟ هزینه‌هایی بالا برای هدف‌هایی مهم، ترجمه بابک اوجاقی، *ماهنامه مدیریت ارتباطات*، شماره ۴۴، زمستان.

- قاسمی، محمد (۱۳۹۰)، «نظریه پخش و دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در قرن ۲۱»، *فصلنامه پاسداری فرهنگی*، شماره ۴، پاییز.

- نای، جوزف (۱۳۹۲)، *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

English Source

- Bellamy, Carol and Weinberg, Adam (2008), "Educational and Cultural Exchanges to Restore America's Image", *The Washington Quarterly*, Summer.

- Mulcahy, Kevin V. (1999), "Cultural Diplomacy and the Exchange Programs 1938–1978", *The Journal of Art Managements Law Society*, Vol.29, No.1 Spring.
- Prachi Naik, (2012), "An Examination of the Fulbright Program; International Educational Exchange From a National Security Perspective", *American Security Project*, August.
- Nye, Joseph (2005), *Soft Power and Higher Education*, New York: Harvard University.
- Dutta, Bergman, Mohan J, (2006), "U.S. Public Diplomacy in the Middle East; a Critical Cultural Approach", *Journal of Communication Inquiry*, Vol.30, No.2, April.
- Saville-Troike, Muriel (2006), *Introducing Second Language Acquisition*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Ross, Cristopher (2002) "Public Diplomacy Comes of Age", *The Washington Quarterly*, Spring.
- Stoddart, Brian (2014), "International Education: The Hard Edge of Soft Power", *Global Policy*, Vol.5, Issue 4, November, pp. 483–484.
- <http://www.shanghairanking.com/ARWU2014.html>
- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1948978>
- <https://www.timeshighereducation.co.uk/world-universityrankings/2015/world-ranking/>
- [http://old.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsId=510934-](http://old.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsId=510934)

_____ نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا: با... ◇

- <http://www.shafaqna.com/persian/other-services/other-news/item/37338>
- http://www.teheran.diplo.de/Vertretung/teheran/fa/06__kultur/Kulturbeziehungen/DAAD_20Delegation.html
- <http://www.mashreghnews.ir/fa/print/80365>
- <http://century21.blogfa.com/post-407.aspx>
- <http://www.mashreghnews.ir/fa/mobile/301985>
- <http://www.bbc.com/news/world-africa-33629577>
- <http://esteva.ir/newsprint-6935.htm>
- <http://photos.state.gov/libraries/amgov/30145/publications-persian/EJ-college-1105fa.pdf>
- <http://irdiplomacy.ir/fa/page/8587>
- <http://www.tabnak.ir/fa/news/377193>
- <http://www.uis.unesco.org/DataCentre/Pages/BrowseEducation.aspx>
- <http://www.educause.edu/library/resources/soft-power-and-higher-education>
- <http://www.techdiplomacy.ir/fa/archives/58>
- <http://anthropology.ir/node/20442>
- <http://www.iran.campusfrance.org/fa/node/67008>
- <http://www.bartarinha.ir/fa/news/229353>
- <http://photos.state.gov/libraries/amgov/30145/publications-persian/EJ-college-1105fa.pdf>
- <http://www.parliament.uk/business/committees/committees-a-z/lords--select>

t/science-and-technology-committee/publications

- <http://www.imna.ir/fa/doc/report/130526>

- <http://www.eaie.org/blog/global-higher-education-as-a--of---reflectio-nintern-ational-relations/>

- <http://blog.into-corporate.com/higher-education-a-soft-power-weapon-of-excellence/>

- <http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/infographics/Infographic-Iranian-Students-in-the-United-States-Red-Tape-Iron-Nerve.png>

- <http://irtt.ir/2016/09/19>

- <http://www.techdiplomacy.ir/archives/458>